کوتاه نوشت

آرزوی جاروکش صحن شاهچراغ

الهه ارجمندی| مرد جارو را به‌آرامی روی سنگفرش‌های جلو شاهچراغ کشید و دلش باز همان حا لرزید. اینکه هربار قسمتش می‌شد خاک جلو حرم شاهچراغ را جارو بکشد، خودش نعمتی بود. آن هم برای او که جز این امامزاده، حرم دیگری را زیارت نکرده بود و اصلاً پایش را شیراز بیرون نگذاشته بود. زندگی گاهی آن‌قدر برایش سخت می‌شد که پول داروهای نازنین‌زهرا را به سفر مشهد ببرد یا شاید یک کار خالصانه و مزدگانی با ارزشی در دستش بود. کیفی را پیدا کرده و تحویل صاحبش داده بود که این را یک وظیفه عادی خودش می‌دانست.

حرف آن پیرمرد مشهدی هنوز در خاطرش بود: «پسرجون! با پیدا کردن و رسوندن مدارک و پولوم، زندگیمو به مو برگردوندی. مردگذاشی حقته سر برگیرش... خود آقام حاجتتو بده...».

رفت. ۱۰ دقیقه‌ای می‌توانست نماز و دعایی بخواند و زود سرکارش برگردد. هنوز هم نمی‌دانست چطور شد آن لحظه خاص در آن صبح چهارشنبه بعد نماز سمت مشهد چرخید و همان جا از حضرت احمدبن موسی و خود امام رضا(ع)، زیارت مشهد را طلب کرد. نه فقط برای خودش، برای مادر پیرش که هنوز نتوانسته بود او را به زیارت امام رضا(ع) ببرد و همیشه بابت این شرمنده‌اش می‌کشید و دلش به این خوش بود امشب هم زیارت و هم خدمتی به زائران امامزاده کرده است. اذان را که دادند شوهرش شده و کمی از بار زندگی را به دوش می‌کشد. مرد ساعتش را نگاه کرد.

ساعتی به اذان صبح مانده بود و شیفت کاری او هم رو به پایان بود. شب‌کاری‌های این خیابان را همیشه دوست داشت. جاروی بلندش را روی آسفالت و سنگفرش‌ها باز خدا را شکر می‌کرد که شغلی داشت و هرچند رسمی نبود اما دفترچه بیمه‌ای بود و سابقه کاری هم برایش حساب می‌شد.

لیلا سال‌ها بود خیاطی می‌کرد، رویه لحاف آماده و روبالشی‌های امروزی و قشنگی می‌دوخت. سلیقه و ظرافت کارش را مغازه‌های فروش سرویس خواب می‌پسندیدند و سفارش کار می‌دادند اما میگرن نمی‌گذاشت کار بیشتری قبول کند و طولانی پشت چرخ بنشیند. ولی باز او هم خدا را شکر می‌کرد که کمک خرج شوهرش شده و کمی از بار زندگی را به دوش می‌کشد. مرد هرچند شده به‌خاطر بچه‌ها نخواهد با آن لباس در هر جایی ظاهر شود. سلام داد و وارد شد. همان جا در وضوخانه حرم وضو گرفت و برای نماز به داخل حرم قرض می‌کرد و البته با اولین حقوقش ابتدا دینش را پس می‌داد.

عزت نفس داشت و یاد نگرفته بود مقروض بماند. اما او هم مثل هر پدری، سختش بود نتواند برای پسرش دوچرخه بخرد یا توان پرداخت کلاس تقویتی دخترش را نداشته باشد. چه می‌شد که؟ مادر پیرش هم با آن‌ها زندگی می‌کرد و خانواده ۶ نفری آن‌ها مستأجر هم بودند.

لیلا سال‌ها بود خیاطی می‌کرد، رویه لحاف آماده و روبالشی‌های امروزی و قشنگی می‌دوخت. سلیقه و ظرافت کارش را مغازه‌های فروش سرویس خواب می‌پسندیدند و سفارش کار می‌دادند اما میگرن نمی‌گذاشت کار بیشتری قبول کند و طولانی پشت چرخ بنشیند. ولی باز او هم خدا را شکر می‌کرد که کمک خرج شوهرش شده و کمی از بار زندگی را به دوش می‌کشد. مرد ساعتش را نگاه کرد.

ساعتی به اذان صبح مانده بود و شیفت کاری او هم رو به پایان بود. شب‌کاری‌های این خیابان را همیشه دوست داشت. جاروی بلندش را روی آسفالت و سنگفرش‌ها باز خدا را شکر می‌کرد که شغلی داشت و هرچند رسمی نبود اما دفترچه بیمه‌ای بود و سابقه کاری هم برایش حساب می‌شد.

لیلا سال‌ها بود خیاطی می‌کرد، رویه لحاف آماده و روبالشی‌های امروزی و قشنگی می‌دوخت. سلیقه و ظرافت کارش را مغازه‌های فروش سرویس خواب می‌پسندیدند و سفارش کار می‌دادند اما میگرن نمی‌گذاشت کار بیشتری قبول کند و طولانی پشت چرخ بنشیند. ولی باز او هم خدا را شکر می‌کرد که کمک خرج شوهرش شده و کمی از بار زندگی را به دوش می‌کشد. مرد ساعتش را نگاه کرد.

ساعتی به اذان صبح مانده بود و شیفت کاری او هم رو به پایان بود. شب‌کاری‌های این خیابان را همیشه دوست داشت. جاروی بلندش را روی آسفالت و سنگفرش‌ها باز خدا را شکر می‌کرد که شغلی داشت و هرچند رسمی نبود اما دفترچه بیمه‌ای بود و سابقه کاری هم برایش حساب می‌شد.

لیلا سال‌ها بود خیاطی می‌کرد، رویه لحاف آماده و روبالشی‌های امروزی و قشنگی می‌دوخت. سلیقه و ظرافت کارش را مغازه‌های فروش سرویس خواب می‌پسندیدند و سفارش کار می‌دادند اما میگرن

نکته‌های ناب
۳ نوع مسجد از نگاه حاج قاسم

تربیت مدافع فرهنگی، ایثارگر و فداکار در مسجد محقق می‌شود

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سال ۹۶ و همزمان با روز جهانی مسجد در جمع اهمه جماعت استان تهران به بیان دیدگاه‌هایش در خصوص مسجد پرداخت که ما به مناسبت فرا رسیدن دومین سالگرد شهادت ایشان، گزیده‌ای از آن را به نقل از خبرگزاری فارس بازخوانی می‌کنیم.

این شهید(شهید حججی) عصاره مسجد است. در تصویر اسارت شهید حججی دو چهره را می‌بینیم؛ هر دو ثمره مسجد هستند. خبیثی که پشت سر حججی قرار دارد نیز ثمره مسجد است، همه دعوای ما در عالم بر سر یک مسجد یعنی مسجدالاقصی و همه سه نوع وجود دارد. مسجدی است که آگاه‌سازی و تربیت و در دو بعد از اسلام دفاع می‌کند؛ یکی بعد فرهنگی و دینی و ایجاد رأی در مردم برای مقابله با تهاجم فرهنگی که پیچیده‌تر از دیروز و وسیع‌تر و ناپیداتر شده است. این مسجد هم‌زمان با مقابله، مدافع فرهنگی و ایثارگر و فداکار نیز تربیت می‌کند.

وحدت و نیز بر سر یک مسجد یعنی مسجدالحرام است که می‌تواند جهان اسلام را به وحدت برساند. مسجد حیات دینی، سیاسی و اجتماعی عالم اسلام است. ما در عالم اسلامی سه نوع مسجد داریم و ثمره‌های این سه نوع مسجد را هم می‌بینیم که در کشور ما نیز هم تربیت مدافع فرهنگی، ایثارگر و فداکار در دولت‌ها و ساختارهای دولتی محقق نمی‌شود بلکه در مسجد محقق می‌شود. ما پیروزمند در جنگ هشت ساله را مدیون مسجد هستیم، البته منظور پیکره مسجد نیست، بلکه منظور امام جماعت است که امروز رهبر معظم انقلاب در رأس امامان جماعت مساجد حضور دارند.

کارکرد یک مسجد دیگر ایجاد روح بی‌توجهی و بی‌انگیزگی در جامعه است. امام جماعت این مسجد به مأمومین نگاه می‌کند که ببیند از چه چیزی خوشنش می‌آید آن وقت همان مطلب را می‌گوید. سومین نوع مسجد، مسجدی است که همچون ماشین است و ائمه تکفیری بر آن سوارند و نتیجه‌اش تولد داعش و جبهه النصره است. اگر نگاه ما به مسجد به عنوان امام جماعت صرفاً نگاه به محیط داخل مسجد باشد و بخواهیم فقط تعداد افرادی را که داخل مسجد هستند، حفظ کنیم اشتباه کرده‌ایم و باختنامه‌ایم. مسجد مثل یک قرارگاه است و باید تمام اطراف مسجد را مدنظر قرار داد. بی‌حجاب، با حجاب، اصلاح‌گرا، اصلاح‌طلب، زن، مرد، کودک و...

هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خدای بزرگ برای او در بهشت خانه ای می سازد .

فلسفه آفرینش مگس!

آورده‌اند روزی منصور عباسی در حالی که بر منبر نشسته بود و سخن می گفت، او نشست. منصور مگس را با دستش دور کرد مگس پرواز کرد و بر چشم او نشست. او دوباره مگس را پراند، ولی مگس دوباره روی چشم دیگر او نشست تا اینکه منصور ناراحت شد و مگس را با دستش کشت. چون از منبر پایین آمد از عمرو بن عبید پرسید: خدا مگس را برای چه خلق کرد؟ عمرو گفت: برای اینکه ستمگران را ذلیل کند. منصور پرسید: این را از کجا می گویی؟ گفت: از قول خدای تعالی که فرموده: «وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ». منصور گفت: خدای تعالی راست فرموده است.

حکمت

گزارش

در نشست تحلیل عزاداری‌های امسال بنی فاطمه مطرح شد

اصل کار ما در هیئت، احیای شعائر است نه خواندن شعر جدید

سومین نشست از سلسله جلسات «آهات» با موضوع تحلیل هنری، فرهنگی و اجتماعی عزاداری‌های محرم و صفر امسال سیدمجید بنی‌فاطمه برگزار شد. این نشست با حضور مجید بنی‌فاطمه مداح اهل بیت(ع)، محمدمهدی سیار دبیر علمی نشست، عبدالکریم خیامی استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) و سید وحید سمنانی، شاعر و منتقد ادبی در خبرگزاری فارس برگزار شد.

محمدمهدی سیار، دبیر علمی نشست در ابتدای مراسم اظهار کرد: در این جلسات بنا داریم پیوندی میان دانشگاه در رشته‌های ادبی و هنری با رسانه در موضوعات جامعه‌شناسی و فرهنگی با محوریت هیئت‌های مذهبی به منظور تولید فکر و پیشبرد گفتمان اسلامی ایجاد کنیم تا ان‌شاءالله هیئت‌ها اثرگذاری بیشتری داشته باشند.

■ **بنی‌فاطمه به دنبال دیده شدن به هر قیمتی نیست**

عبدالکریم خیامی، استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) در این نشست اظهار کرد: بررسی آثار و عملکرد سیدمجید بنی‌فاطمه و نگاه از بیرون به گفتارها، موضع‌گیری‌هایش در فضای مجازی و در مجموع جمع بین ابتلا و احساسات او که نگاره نامیده می‌شود، نشان می‌دهد او به دنبال این نیست که با حاشیه‌سازی خود را در معرض دیده شدن قرار دهد بنابراین او کمتر سوژه اخبار است.

استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) ادامه داد: برخی از مداحان، عملکردی نمایشی دارند و در مداح استفاده از عناصر نمایشی مانند نور و صدا، حضور کودکان روی صحنه، نوع لباس و حتی آرایش چهره، افراط می‌کنند و تنها به دنبال دیده شدن هستند، اما بنی‌فاطمه حداقل تلاش برای استفاده از این عناصر را دارد.

خیامی با بیان اینکه این مداح از رفتارهای سخیف برخی دیگر از مداحان میراست، گفت: او در محرم امسال گاهی پشت میکروفن با پایه ایستاده خواند، گاهی نشسته روضه خواند که آن هم متناسب با محتوا و شعر بود، گاهی میان جمعیت رفت و نوحه خواند و به نوعی تناسب میان گفتار با زبان بدنش، ممتاز است.

■ **اصرار به نوحه جدید خواندن، موجب خلق آثار ضعیف شده است**

سیدمجید بنی‌فاطمه، مداح اهل بیت(ع) در این بخش از نشست اظهار کرد: متأسفانه در سال‌های اخیر سلیقه‌ها تغییر کرده است. زمانی که برای شخصیت حضرت علی اصغر(ع) شاعران سه چهار سال اثر تولید می‌کنند، تمام حرف‌هایشان را زده‌اند. بنابراین نوآوری ندارند و نباید اصرار به خواندن نوحه جدید داشته باشیم. در این صورت کار ضعیف تولید خواهد شد. وقتی کار ضعیف خوانده می‌شود، یک شاعر تازه‌کار هم آن را الگو قرار می‌دهد و شروع کارش را با یک شعر ضعیف‌تر از آن آغاز می‌کند و مداحی هم آن را می‌خواند که منجر به ضعف هر روزه آثار می‌شود.

وی با بیان اینکه باید آثار را تکرار کرد؛ به طور مثال نوحه «جان آقام، سنه قربان آقام» که سروده محسن عرب خالقی بود با تکرار جا افتاد، گفت: ما از تکرار آثار فاصله گرفتیم؛ در حالی که مستمع باید با یک نوحه انس بگیرد. اصل کار ما در هیئت، احیای روضه و شعائر اهل بیت(ع) و توسل است، اما از این فاصله گرفتیم و به این فکر می‌کنیم «امشب بروم ببینیم بنی‌فاطمه چی می‌خواند؟» اگر تکراری هم بخواند می‌گوییم «ای بابا تکراری خواند!» این‌ها خطر است که موجب ضربه خوردن به دستگاه می‌شود. من گاهی می‌خواهم شعری را بارسانه در موضوعات جامعه‌شناسی و فرهنگی یا موضوع‌های مذهبی به منظور تولید فکر و پیشبرد گفتمان ایجاد کنیم تا ان‌شاءالله هیئت‌ها اثرگذاری بیشتری داشته باشند.

■ **بنی‌فاطمه به دنبال دیده شدن به هر قیمتی نیست**

عبدالکریم خیامی، استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) در این نشست اظهار کرد: بررسی آثار و عملکرد سیدمجید بنی‌فاطمه و نگاه از بیرون به گفتارها، موضع‌گیری‌هایش در فضای مجازی و در مجموع جمع بین ابتلا و احساسات او که نگاره نامیده می‌شود، نشان می‌دهد او به دنبال این نیست که با حاشیه‌سازی خود را در معرض دیده شدن قرار دهد بنابراین او کمتر سوژه اخبار است.

استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) ادامه داد: برخی از مداحان، عملکردی نمایشی دارند و در مداح استفاده از عناصر نمایشی مانند نور و صدا، حضور کودکان روی صحنه، نوع لباس و حتی آرایش چهره، افراط می‌کنند و تنها به دنبال دیده شدن هستند، اما بنی‌فاطمه حداقل تلاش برای استفاده از این عناصر را دارد.

خیامی با بیان اینکه این مداح از رفتارهای سخیف برخی دیگر از مداحان میراست، گفت: او در محرم امسال گاهی پشت میکروفن با پایه ایستاده خواند، گاهی نشسته روضه خواند که آن هم متناسب با محتوا و شعر بود، گاهی میان جمعیت رفت و نوحه خواند و به نوعی تناسب میان گفتار با زبان بدنش، ممتاز است.

■ **اصرار به نوحه جدید خواندن، موجب خلق آثار ضعیف شده است**

سیدمجید بنی‌فاطمه، مداح اهل بیت(ع) در این بخش از نشست اظهار کرد: متأسفانه در سال‌های اخیر سلیقه‌ها تغییر کرده است. زمانی که برای شخصیت حضرت علی اصغر(ع) شاعران سه چهار سال اثر تولید می‌کنند، تمام حرف‌هایشان را زده‌اند. بنابراین نوآوری ندارند و نباید اصرار به خواندن نوحه جدید داشته باشیم. در این صورت کار ضعیف تولید خواهد شد. وقتی کار ضعیف خوانده می‌شود، یک شاعر تازه‌کار هم آن را الگو قرار می‌دهد و شروع کارش را با یک شعر ضعیف‌تر از آن آغاز می‌کند و مداحی هم آن را می‌خواند که

سارا صالحی| ماجرا از یک ماه پیش آغاز شد. وقتی که حجت‌الاسلام والمسلمین مروی، برای افتتاح زائرسرای آستان قدس رضوی در منطقه مرزی میرجاوه به سیستان و بلوچستان سفر کرده بود و پس ازمراسم بهره‌برداری قصد بازگشت به مشهد را داشت. در فرودگاه زاهدان همه منتظر بودند اپراتور اطلاعات پرواز، زمان سوار شدن مسافران را اعلام کند. چند دقیقه بعد اما بلندگو اعلام می‌کند پرواز مشهد با تأخیر انجام خواهد شد! تأخیر پرواز البته خبر خوشایندی نیست اما کسی نمی‌دانست همین تأخیر ناراحت‌کننده قرار است اتفاق شیرینی را رقم بزند.

■ **کاپیتان از دلیل تأخیر گفت**

هواپیما بالاخره پس از تأخیر یک ساعته، پرید. مسافران تازه روی صندلی‌ها آرام گرفته بودند که کادر پرواز از توليت آستان قدس رضوی درخواست کردند به‌دعوت کاپیتان لحظاتی در کابین خلبان حضور یابد. خلبان پس از خوشامدگویی، حرف را به مقوله زیارت و خدمت می‌کشاند، از خودش می‌گوید که خادم‌یار رضوی است و بعد هم از دلیل اصلی تأخیر می‌گوید.

او توضیح می‌دهد: در بین مسافران یک خانواده کم‌بضاعت اهل حاشیه شهر زاهدان حضور دارند که دانیال، نوجوان ۱۲ ساله‌شان، به‌دلیل بروز یک حادثه، دچار سوختگی شدید شده و والدینش می‌خواهند برای درمان، او را به مشهد ببرند، اما به‌دلیل محدودیت‌های قانونی درباره پرواز بیماران دارای وضعیت خاص مانند دانیال، جلو سوار شدنشان را می‌گیرند و همین موضوع موجب تأخیر یک‌ساعته پرواز می‌شود.

اما خلبان پادمرمانی می‌کند و برای کمک به خانواده این نوجوان بیمار، مسئولیت سوار کردن او را برعهده می‌گیرد؛ به این ترتیب، پسرک حادثه‌دیده و پدر و مادرش سوار هواپیما می‌شوند تا پیش از آنکه تا خانواده در اسرع وقت از احوال بیمار مطلع شوند، صدمات ناشی از سوختگی عوارض بیشتری ایجاد کند به مراکز درمانی تخصصی مشهد برسند. خلبان که متوجه حضور تولیت آستان قدس رضوی در این پرواز می‌شود، این فرصت را مغتنم می‌شمرد تا به‌واسطه ایشان برای کمک به این خانواده از حضرت رضا(ع) مدد بگیرد. او ماجرا را برای حجت‌الاسلام والمسلمین مروی تعریف و از تولیت آستان قدس رضوی درخواست کمک می‌کند؛ این گونه است که با دستور حجت‌الاسلام‌والمسلمین مروی خادمان حضرت رضا(ع) برای حمایت از این خانواده پای کار می‌آیند.

■ **آمبولانس روی باند می‌آید**

ساعت ۱۱ شب، هواپیما روی باند فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد می‌نشیند و با هماهنگی‌های صورت‌گرفته توسط مدیریت امور مجاورین معاونت خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی، فوراً آمبولانس روی باند پرواز می‌آید و دانیال را به بیمارستان امام رضا(ع) منتقل می‌کند. مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی هم از همان لحظه مسئول پیگیری مستقیم درمان دانیال و پذیرایی از خانواده او می‌شود. چند روز پس از این ماجرا، با هادی غلامی، مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی در این باره گفت‌وگو می‌کنم تا برایمان از آخرین وضعیت سلامتی دانیال و میزبانی از خانواده او بگوید.

او در این باره می‌گوید: «به‌سرعت هماهنگی لازم با بیمارستان امام رضا(ع) انجام شد و با نشستن هواپیما، بلافاصله ما دانیال را از خانواده‌اش تحویل گرفتیم و شبانه به بخش سوانح و سوختگی این بیمارستان منتقل کردیم. عمده سوختگی، مربوط به صورت و بازو و قفسه سینه دانیال بود که طبق نظر پزشک متخصص بخش، روز اول تحت درمان‌های اولیه ازجمله شست‌وشو و مداوا و تعویض پانسمان قرار گرفت تا برای عمل آمادگی پیدا کند. درنهایت، پیوند پوست اعضای بیشتر آسیب‌دیده با موفقیت انجام شد و همه ما از بهبودی حال دانیال خوشحال شدیم».

■ **پیگیری روند درمان**

او ادامه می‌دهد: «در مدت بستری و درمان دانیال، هر روز خدمه مدیریت امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی به‌صورت تلفنی با والدین او در ارتباط بودند. حتی یک دستگاه تلفن همراه در اختیار پدر دانیال قرار گرفت تا خانواده در اسرع وقت از احوال بیمار مطلع شوند. چندین نوبت هم با حضور در بیمارستان از نزدیک فرایند درمان دانیال پیگیری شد تا اینکه پس از ۲۰ روز طی شدن مراحل مختلف درمانی، پزشک معالج مجوز مرخصی داده».

همچنین خانواده دانیال در مدت ۲۰ روز طول درمان پرسنلان، به‌طور کامل تحت حمایت قرار می‌گیرند. علاوه‌بر اسکان و پذیرایی در زائرسرای رضوی، هزینه‌های درمان و عمل جراحی دانیال نیز توسط بنیاد کرامت رضوی تأمین می‌شود و خادمان حضرت رضا(ع)، علاوه‌بر اهدای هدایایی، هزینه بلیت پرواز بازگشت این خانواده را هم پرداخت می‌کنند.

■ **اولین زیارت دانیال**

اما یکی دیگر از بخش‌های شیرین این ماجرا اولین تشرف دانیال به حرم حضرت رضا(ع) است که پس از عمل جراحی و پیش از بازگشت به سیستان‌وبلوچستان صورت می‌گیرد. غلامی ماجرای طی‌شدن چند روز دوره درمان و بهبود نسبی دانیال، بنابه درخواست خود او و خانواده‌اش، هماهنگی لازم با حرم مطهر رضوی صورت گرفت تا دانیال پس از ترخیص بتواند اولین بار به حرم و زیارت حضرت رضا(ع) مشرف شود. خادمان از جلو تا پائرسته دانیال و خانواده‌اش را سوار کردند. در مسیر هم برای این پسربچه ولیچر آماده بود از هم‌راهان پارکینگ او را سوار و تا مقابل ضریح فولاد همراهی کرد. این طور بود که دانیال و خانواده‌اش یک زیارت اختصاصی انجام دادند و برای ناهار هم میهمان سرای حضرت شدند».

■ **از ته دل گفتم: یا امام رضا(ع)!**

شنیدن خبر ماجرای این زائران ویژه حضرت رضا(ع) از زبان پدر دانیال هم جالب است: «دانیال بر اثر یک حادثه دچار سوختگی شدید شد و ما فوراً او را به بیمارستان زاهدان بردیم، اما متأسفانه به‌دلیل کمبود امکانات نتوانستند کار چندانی برای او انجام دهند. پسرم را بدن سوخته مقابل چشم‌انمان بود و مثل شمع آب می‌شد. مادرش از غصه یکسره گریه می‌کرد. همان جا بود که من دست به‌سوی آسمان بلند کردم و از ته دل گفتم: یا امام رضا(ع) به پسرم کمک کن!»

او ادامه می‌دهد: «پزشک بیمارستان گفت خیلی سریع باید دانیال را به مشهد ببریم. ما هم بدون معطلی راهی فرودگاه شدیم، اما به‌خاطر نبود تخت برای دانیال به ما اجازه سوار شدن نمی‌دادند. ناامید نشدیم و منتظر ماندیم شاید فرجی شود. اگرچه در مشهد هیچ فامیل و آشنایی نداشتیم، در دلم می‌گفتم من دارم پسرم را به شهر امام رضا(ع) می‌برم؛ حتماً خودش هوای ما را دارد. یک‌دفعه یک آقایی با لباس سفید آمد و گفت: بیایید سوار هواپیما شوید. از آن لحظه به‌بعد، دیگر نفهمیدم چه اتفاقی افتاد. همه کارها درست شد». پدر دانیال همچنین می‌گوید: «در پرواز با حاج آقای مروی آشنا شدیم و ایشان خیلی کمک کردند که ما بتوانیم درمان دانیال را در مشهد پیگیری کنیم. در مسیر پرواز خیلی با ما حرف زدند و همدلی کردند. خوب یادم هست به ما دلداری دادند و گفتند: اصلاً ناراحت نباشید! امام رضا(ع) شما را طلبیده و خود ایشان هم کمکتان می‌کند».

■ **باورکردنی نبود**

از او درباره خدمت خادمان حضرت هم می‌پرسم و او می‌گوید: «به‌محض رسیدن به مشهد، خادمان آستان قدس رضوی همه کارهای درمان پسرم را انجام دادند. باورم نمی‌شود پسرم این‌طور از زاهدان به مشهد رسید، دوا و درمان شد، زیارت کردیم و به‌سلامتی برگشتیم. خدا به همه آن‌هایی که به ما کمک کردند اجر بدهد! خیلی خوب از ما پذیرایی کردند». او درباره علاقه دانیال به امام رضا(ع) هم می‌گوید: «دانیال، از همان روزهای اول، با اینکه حالش اصلاً خوب نبود مدام گریه می‌کرد، با همان حالش می‌خواست به حرم برود. اما واقعاً امکانش نبود و باید در بیمارستان تحت‌نظر پزشک می‌ماند. پادم هست همان‌موقع از من خواست از حرم برایش آب بیاورم. قربان امام رضا(ع) بروم! وقتی یک بطری آب از حرم برای پسرم بردم و او خورد، دردش آرام شد و خوابید... از وقتی هم برگشته‌ایم زاهدان، هر کس برای عیادت پسرمان می‌آید می‌گویم: پسرم را خود آقا طلبیدند و شفا دادند».

ماجرای نوجوانی که برای زیارت و مداوا طلبیده شد

مسافر خاص پرواز زاهدان - مشهد

دانیال نام نوجوانی است اهل زاهدان که حدود یک ماه پیش دچار سوختگی شد و پزشکان تشخیص دادند باید برای معالجه فوراً به مشهد اعزام شود. پدر دانیال دست به دامان امام رئوف شد و خیلی زود خادمان رضوی سر راهشان قرار گرفتند.

گزیده

چهره

چند سؤال از کلیسا درباره پروژه اصلاح اجتماعی حضرت عیسی(ع)

سهیل اسعد، مبلغ بین‌المللی اسلام| فضای مبارزه در ابتدا یک تفکر است. در امتداد تاریخ که نگاه می‌کنید تمام حرکت‌ها از یک تفکر مبارزه‌ای سرچشمه گرفته است. تفکر انقلابی و قیام و مبارزه، تفکری است که در اصل تاریخ مسیحیت بود و در سیره عملی حضرت عیسی(ع) هم وجود داشت. بعداً با تجربه بدی که کلیسا در قرون وسطا داشت، مجبور شدند حذفش کنند یعنی مجبور شدند از حرکت اجتماعی بنیاد کرامت رضوی، فوراً آمبولانس روی باند پرواز می‌آید و دانیال را به بیمارستان امام رضا(ع) منتقل می‌کند. مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی هم از همان لحظه مسئول پیگیری مستقیم درمان دانیال و پذیرایی از خانواده او می‌شود. چند روز پس از این ماجرا، با هادی غلامی، مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی در این باره گفت‌وگو می‌کنم تا برایمان از آخرین وضعیت سلامتی دانیال و میزبانی از خانواده او بگوید.

او در این باره می‌گوید: «به‌سرعت هماهنگی لازم با بیمارستان امام رضا(ع) انجام شد و با نشستن هواپیما، بلافاصله ما دانیال را از خانواده‌اش تحویل گرفتیم و شبانه به بخش سوانح و سوختگی این بیمارستان منتقل کردیم. عمده سوختگی، مربوط به صورت و بازو و قفسه سینه دانیال بود که طبق نظر پزشک متخصص بخش، روز اول تحت درمان‌های اولیه ازجمله شست‌وشو و مداوا و تعویض پانسمان قرار گرفت تا برای عمل آمادگی پیدا کند. درنهایت، پیوند پوست اعضای بیشتر آسیب‌دیده با موفقیت انجام شد و همه ما از بهبودی حال دانیال خوشحال شدیم».

■ **پیگیری روند درمان**

او ادامه می‌دهد: «در مدت بستری و درمان دانیال، هر روز خدمه مدیریت امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی به‌صورت تلفنی با والدین او در ارتباط بودند. حتی یک دستگاه تلفن همراه در اختیار پدر دانیال قرار گرفت تا خانواده در اسرع وقت از احوال بیمار مطلع شوند. چندین نوبت هم با حضور در بیمارستان از نزدیک فرایند درمان دانیال پیگیری شد تا اینکه پس از ۲۰ روز طی شدن مراحل مختلف درمانی، پزشک معالج مجوز مرخصی داده».

همچنین خانواده دانیال در مدت ۲۰ روز طول درمان پرسنلان، به‌طور کامل تحت حمایت قرار می‌گیرند. علاوه‌بر اسکان و پذیرایی در زائرسرای رضوی، هزینه‌های درمان و عمل جراحی دانیال نیز توسط بنیاد کرامت رضوی تأمین می‌شود و خادمان حضرت رضا(ع)، علاوه‌بر اهدای هدایایی، هزینه بلیت پرواز بازگشت این خانواده را هم پرداخت می‌کنند.

■ **اولین زیارت دانیال**

اما یکی دیگر از بخش‌های شیرین این ماجرا اولین تشرف دانیال به حرم حضرت رضا(ع) است که پس از عمل جراحی و پیش از بازگشت به سیستان‌وبلوچستان صورت می‌گیرد. غلامی ماجرای طی‌شدن چند روز دوره درمان و بهبود نسبی دانیال، بنابه درخواست خود او و خانواده‌اش، هماهنگی لازم با حرم مطهر رضوی صورت گرفت تا دانیال پس از ترخیص بتواند اولین بار به حرم و زیارت حضرت رضا(ع) مشرف شود. خادمان از جلو تا پائرسته دانیال و خانواده‌اش را سوار کردند. در مسیر هم برای این پسربچه ولیچر آماده بود از هم‌راهان پارکینگ او را سوار و تا مقابل ضریح فولاد همراهی کرد. این طور بود که دانیال و خانواده‌اش یک زیارت اختصاصی انجام دادند و برای ناهار هم میهمان سرای حضرت شدند».

■ **از ته دل گفتم: یا امام رضا(ع)!**

شنیدن خبر ماجرای این زائران ویژه حضرت رضا(ع) از زبان پدر دانیال هم جالب است: «دانیال بر اثر یک حادثه دچار سوختگی شدید شد و ما فوراً او را به بیمارستان زاهدان بردیم، اما متأسفانه به‌دلیل کمبود امکانات نتوانستند کار چندانی برای او انجام دهند. پسرم را بدن سوخته مقابل چشم‌انمان بود و مثل شمع آب می‌شد. مادرش از غصه یکسره گریه می‌کرد. همان جا بود که من دست به‌سوی آسمان بلند کردم و از ته دل گفتم: یا امام رضا(ع) به پسرم کمک کن!»

او ادامه می‌دهد: «پزشک بیمارستان گفت خیلی سریع باید دانیال را به مشهد ببریم. ما هم بدون معطلی راهی فرودگاه شدیم، اما به‌خاطر نبود تخت برای دانیال به ما اجازه سوار شدن نمی‌دادند. ناامید نشدیم و منتظر ماندیم شاید فرجی شود. اگرچه در مشهد هیچ فامیل و آشنایی نداشتیم، در دلم می‌گفتم من دارم پسرم را به شهر امام رضا(ع) می‌برم؛ حتماً خودش هوای ما را دارد. یک‌دفعه یک آقایی با لباس سفید آمد و گفت: بیایید سوار هواپیما شوید. از آن لحظه به‌بعد، دیگر نفهمیدم چه اتفاقی افتاد. همه کارها درست شد». پدر دانیال همچنین می‌گوید: «در پرواز با حاج آقای مروی آشنا شدیم و ایشان خیلی کمک کردند که ما بتوانیم درمان دانیال را در مشهد پیگیری کنیم. در مسیر پرواز خیلی با ما حرف زدند و همدلی کردند. خوب یادم هست به ما دلداری دادند و گفتند: اصلاً ناراحت نباشید! امام رضا(ع) شما را طلبیده و خود ایشان هم کمکتان می‌کند».

■ **باورکردنی نبود**

از او درباره خدمت خادمان حضرت هم می‌پرسم و او می‌گوید: «به‌محض رسیدن به مشهد، خادمان آستان قدس رضوی همه کارهای درمان پسرم را انجام دادند. باورم نمی‌شود پسرم این‌طور از زاهدان به مشهد رسید، دوا و درمان شد، زیارت کردیم و به‌سلامتی برگشتیم. خدا به همه آن‌هایی که به ما کمک کردند اجر بدهد! خیلی خوب از ما پذیرایی کردند». او درباره علاقه دانیال به امام رضا(ع) هم می‌گوید: «دانیال، از همان روزهای اول، با اینکه حالش اصلاً خوب نبود مدام گریه می‌کرد، با همان حالش می‌خواست به حرم برود. اما واقعاً امکانش نبود و باید در بیمارستان تحت‌نظر پزشک می‌ماند. پادم هست همان‌موقع از من خواست از حرم برایش آب بیاورم. قربان امام رضا(ع) بروم! وقتی یک بطری آب از حرم برای پسرم بردم و او خورد، دردش آرام شد و خوابید... از وقتی هم برگشته‌ایم زاهدان، هر کس برای عیادت پسرمان می‌آید می‌گویم: پسرم را خود آقا طلبیدند و شفا دادند».

دیدگاه

از ایمان به انجیل تا اعتقاد به منجی

نگاهی کوتاه به باورداشت‌های مسیحیت

مسیحیت از بزرگ‌ترین ادیان دنیاست و همچون اسلام و یهودیت، از ادیان ابراهیمی به شمار می‌رود. مسیحیت با ظهور حضرت عیسی(ع) آغاز شد، این نبی الهی(ع) در میان بنی‌اسرائیل، به عنوان منجی موعود آن‌ها ظهور کرد اما در نهایت همان یهودیانی که سال‌ها چشم انتظار این منجی بودند، او را محکوم به اعدام و مرگ کردند!

براساس آنچه در انجیل آمده حضرت عیسی(ع) به صلیب کشیده شد و سپس او را دفن کردند اما پس از سه روز از خاک بیرون آمد و ۴۰ روز میان شاگردان بود و بعد به آسمان‌ها رفت تا زمانی که به عنوان پادشاه به زمین بازگردد.

البته خدای متعال در آیه ۱۵۷ سوره مبارکه نساء این عقیده را به صراحت رد کرده و می‌فرماید: «... وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»... او را نه کشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آن‌ها مشتبه شد...».

براساس عقیدۀ مسلمانان، حضرت عیسی(ع) با ظهور امام زمان(عج) به زمین بازمی‌گردد و حضرت حجت(عج) را در اهداف جهانیشان یاری می‌کند.

حضرت عیسی(ع) در آغاز دعوت خود، یارانی را برگزیدند که پیام آور این امر شدند و به همه دنیا برسانند. معمولاً به این‌ها شاگردان حضرت عیسی(ع) می‌گویند. البته از میان شاگردان ۱۲ نفر را انتخاب کرده بود که مسیحیان در انجیل لوقا به آن‌ها رسولان می‌گویند و قرآن آن‌ها را حواریون می‌خواند؛ البته در اناجیل چهارگانه (لوقا، یوحنّا، متّی، مَرقُس) اسم‌های مختلفی برای این رسولان یا حواریون به کار برده شده است.

مسیحیان انجیل را کتاب مقدس خود می‌دانند. البته کتاب مقدس دو بخش دارد؛ عهد قدیم و عهد جدید؛ عهد قدیم، تورات و ملحقات تورات است و عهد جدید همان انجیل شامل ۲۷ کتاب و رساله است. انجیل کلام الله نیست و مسیحیان نیز خود چنین ادعایی ندارند. بخشی از آن‌ها مربوط به حواریون و فعالیت‌های آن‌ها است و بخشی هم مربوط به سخنان حضرت عیسی(ع) می